



تعرض عنان گسیخته به آزادی زن تقویت جنبش آزادی و برابری زن و مرد، تنها پاسخ است

نوشین قادری

تاریخ بشر پر است از نابرابری و جنایت علیه زنان. اهرمهای اقتصادی، فرهنگی و مذهبی، دائماً مکانیزمهای اعمال این جنایات توسط قدرتهای سیاسی حاکمه بوده اند. تبعیض علیه زنان، قبل از هر چیز و در پایه ای ترین سطح، در

خدمت تداوم استثمار اقتصادی انسان است و بدین اعتبار، مقوله ای طبقاتی است که امروزه و با توجه به تغییر اشکال استثمار در برخی کشورهای پیشرفته جهان، شیوه های تبعیض و ستمکشی از زنان، گاه پنهان و به طرق غیر مستقیم خود را عیان میکند. این مسئله، موقعیت و مکانیسمهای مبارزاتی جنبش آزادی و برابری زن در کشورهای مختلف را متفاوت کرده است. آنجا که هنوز احکامی همچون "خلق زن از یک دنده مرد"، بواسطه شکل حاکمیت مذهبی، حاکم بر فضای جامعه است، قاعدتاً جنبش آزادی زن، جنبشی عیان، قائم به ذات و دخیلتز در مبارزه برای رهایی کلیت جامعه است. در کشورهایی که اساساً حاکمیت مذهبی بر تمامی وجوه ارکانهای قدرت در جامعه سایه افکنده و به دلایل سیاسی و مشخصاً، ضدیت با قوانین عام روبنائی سرمایه داری



برای مبارزه بر علیه خشونت علیه زنان متحد شویم!

سر مقاله

پروین کابلی

۲۵ نوامبر روز

اعتراض علیه ستم کشی زن و خشونت است که بر زنان اعمال میشود. هر لحظه در گوشه ای از این دنیا زنی در خون خود غلطیده میشود، هر لحظه قلب زنی از حرکت باز می ایستد. هر لحظه پیکره زنی از زیر خاک بیرون کشیده میشود و هر لحظه زنی به زندگی خود پایان میدهد و یا خود را به آتش میکشد.

اما این هنوز همه ی حقیقت نیست. این هنوز حقیقت زندگی میلیونها زن که زنده اند و سرکوب می شوند و به بردگی جنسی تن میدهند، نیست. این هنوز چیزی از کارخانه عظیم سقط جنین دختران نمیگوید و هنوز از تجاوز جنسی در خانواده چیزی را بیان نمیکند و آمار قربانیان ناموسپرستی فقط نوک کوه یخی را نشان میدهد.

این قاتلین چه کسانی هستند و کدامند که حق حیات و زیستن را در دستان خود دارند و بیرحمانه زنان را قتل عام میکنند.

قاتلین فرشته ها، کارولین ها، فاطمه ها، شهلاها، او، جنیفر، هودا و ادیسا، نادیا، کژال، مارتا، عایشه و هزاران هزار زن دیگر کسی جز پدرانی که با مشقت به امرار معاش خانواده خود مشغول بوده اند نیستند، کسی جز برادرانی که با آنها بزرگ شده اند و دوران کودکی را با هم سپری کردند نیستند، کسی جز عاشقی که روزها و شبها خواب به چشمانش نرفت تا زن مورد علاقه اش را بدست آورد نیست.

قاتلین عزیزان، و نزدیکان زنان هستند. قاتلینی که بسیاری از آنها هرگز مرتکب جرمی نشده اند.

سناریوی خشونت علیه زنان امروزه دامنه وسیعی به خود گرفته است. کشتار زنان امروز در بسیاری از کشورها به یک مسئله حاد اجتماعی تبدیل شده است. مامورین ریز و درشت دولتها در به در، در جستجوی قاتلین و عاملان خشونت خیابانها و کوچه را در به تسخیر خود در آورده اند و مفسرین و علمای دانشگاهی در سیارات دیگر دنبال تئوری های کشف نشده اند. اما نمودار خشونت علیه زنان همچنان رو به صعود است.

برای پایان دادن این وضعیت لازم نیست به کره مریخ سفر کرد و به کشفیات عجیب و غریبی

زنان از منظر قوانین رژیم آپارتاید اسلامی ایران

نادر رضائزاد

صفحه ۴

زنان در جوامع اسلامزده ایران از ستمی

مضاعف برخوردارند

نگین خاتمی

صفحه ۵

شورش علیا ماجده المهدی، شورش زنان علیه

اسلام سیاسی!

صفحه ۶

برای تغییر جهان و احقاق حقوق زنان متحد شوید!

برای مبارزه بر علیه خشونت علیه زنان متحد شویم!

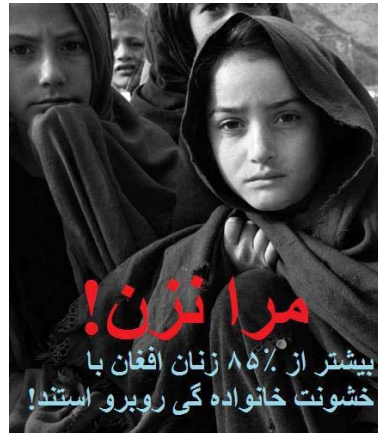
پرداخت. باید به جامعه بشری امروز نگاه انداخت تا دید و فهمید که چرا نیمی از اعضای جامعه که زنان باشند فقط و فقط بخاطر جنسیتشان دچار ستم و خشونت میشوند.

خشونت علیه زنان امروز یک عنصر اصلی و پایه ای در جهان است. زنان در بسیاری از کشورها عملاً از هرگونه حقوق اجتماعی و انسانی محرومند و از همان ابتدای تولد با دیواری از خرافات مذهبی و اخلاقیات کهنه و مردسالارانه روبرو میشوند و از همان لحظه ی تولد یاد میگیرند که زن بودن یعنی گناه و حقارت.

در بسیاری از کشورها خشونت علیه زنان عملاً بعنوان یک سیستم نهادینه شده عمل میکند و دستگاه دولتی بعنوان ابزاری جدی در گسترش و بقای خشونت علیه زنان عمل می نماید. نابرابری اجتماعی در شئون مختلف جامعه بر اساس جنسیت و دستمزدهای نابرابر و غیر عادلانه در مقابل کار یکسان، تصویب قوانین اجتماعی ضد زن، دخالت مذهب در کنار گسترش و تبلیغ فروردستی زن با استفاده از عقب مانده ترین شیوه ها، راه را برای خشونت علیه زنان هموار میکند و زنان بعنوان شهروندان درجه دوم در شرایطی ناامن و غیرانسانی قرار میگیرند.

به این سناریوی دردناک باید وضعیت زنان در کشورهای اسلامزده را هم اضافه نمود. کشورهایی مانند ایران که عملاً سیستم آپارتاید جنسی را بعنوان یک نظام کاملاً ضد زن سازمان داده اند.

علیرغم دستاوردهای مبارزاتی زنان در دهه های گذشته، گسترش خشونت علیه زنان تابعی از وضعیت موجود اقتصادی در جهان میباشد. فقر و گرسنگی که اکنون با وحشیگری عنان گسیخته سرمایه دار به مردم تحمیل شده است را باید به عنوان یک عامل اصلی این وضعیت نابسامان نام برد. بی جهت نیست که امروز درکنار شورش گرسنگان که مانند سونامی دنیا را درنور دیده



است، زنان علیرغم همه ی محدودیت های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی که به آنها تحمیل شده است بعنوان یکی از نیروهای پیشرو این حرکت در صفوف مقدم مبارزه قرار دارند. برای زنانی که از فقر و گرسنگی خود و خانواده هایشان به تنگ آمده اند، تنها یک راه باقی است و آنهم تغییر این دنیا است.

در یک کلام باید گفت که قاتلان واقعی نه وابستگان و نزدیکان بلکه سیستمی است که انسانها را به زن و مرد، تقسیم کرده است و جامعه را بر اساس تبعیض و نابرابری سازمان داده است.

برای مبارزه علیه خشونت و ستم بر زنان نباید راه دوری رفت. باید این دنیای وارونه را تغییر داد. باید نان را به سفره های خالی باز گرداند. باید آرامش و امید به زندگی به کاشانه ی مردم باز گردانده شود تا پدران خسته از کار روزانه و همسران بیکار دستشان به خون عزیزانشان آلوده نشود. باید انسانیت و حقوق برابر را جایگزین جنسیت تحقیر شده زن قرار داد و بار دیگر حرمت و کرامت انسانهای زن و مرد اساس پویایی جامعه قرار گیرد و خرافات و تجاوز جنسی و ناموسپرستی به عنوان اخلاقیات دوران جهالت انسان به گور سپرده شود.

روز ۲۵ نوامبر روز همه ی ما است. روز مبارزه بر علیه خشونت و روز دفاع از انسان است. باید در این روز پرچم آزادی و برابری را به اهتزاز در آورد و در صفوف ما ۹۹ درصدی ها مارش به گور سپردن این نظام پوسیده را آغاز نمود.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد آزادی زن

پروین کابلی

۱۷ نوامبر ۲۰۱۱

دنباله تعرض عنان گسیخته به آزادی زن

جهانی جهت کسب سود و چرخش سرمایه، دارای آشفتگی رو به ورشکستگی اقتصادی است، بناچار، سرکوب، اختناق و جنایات دولتی، یک رکن و شناسه قدرت حاکمه است که بدلیل شکل مذهبی قدرت سیاسی در این جوامع، زنان و حقوق آنان، جزو اولین قربانیان آن است. از این روست که حکم اصولی " آزادی زن، معیار آزادی جامعه است" قبل از هرجای دیگر جهان، در خصوص این

دست از جوامع صدق میکند. ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی، یک نمونه مشخص این گونه کشورهاست.

ضدیت قوانین حاکم بر جامعه با آزادی و برابری زن، موج وسیعی از اعتراضات مشخص علیه این شرایط را دامن زده است. ما در کمتر کشوری در منطقه شاهد شکل گیری اینچنین جنبشی هستیم. جنبشی که با پرچم مطالباتی انقلابی و رادیکال در قالبهای متفاوت مبارزاتی، به یک اعتراض خلاصی فرهنگی کم سابقه در جهان دامن زده است. اعتراضاتی که ماهیتاً، تنها

در اشکال مبارزاتی سرنگونی طلبانه میگنجد و پاسخ مطالباتش را تنها در یک نظام سوسیالیستی میتواند بگیرد.

همپا با یورش و تعرض عنان گسیخته حکومت اسلامی به حقوق فردی و اجتماعی زنان، اعتراضات جنبش آزادی زن نیز رادیکالتر شد. در چند سال گذشته و در بطن اعتراضات مردم برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی، برابری و رفاه، زنان، اگرچه در قالب فردی و نه سازمانی و جنبشی، حضوری چشمگیر و کم نظیر داشتند، چگونه ای که بحث بر سر

حکومت ضد زن، سرنگون، سرنگون!

دنباله تعرض عنان گسیخته به آزادی زن

دارای موانع جدی در راه تحقق مطالباتش میباشد که الزاماً محدود به سرکوب و فضای خفقان حاکم شده بر کلیت جامعه نمیشود. به عبارت دیگر، این فقط جناح حاکم در قدرت نبود که خطر جنبش آزادی زن را برای اتمام حجت با کلیت نظام اسلامی درک کرد، بلکه دیگر جناحهای رژیم اسلامی (از جمله جناح مغضوب دولت، موسوم به اصلاح طلبان و این اواخر هم جناح سبز حکومتی) نیز به تکاپوی رفع این "افت" از خرمن اسلامی افتادند. اشاعه فیمینیسیم اسلامی و غیر اسلامی و خلق پدیده های ارتجاعی ای همچون شیرین عبادی و غیره از جمله مکانیسمهای دخالتگری و تلاش برای کنترل و محدود کردن مطالبات انسانی و انقلابی جنبش آزادی زن، توسط این گرایشات در جامعه هستند. فیمینیسیم اسلامی اصلاح طلبان حکومتی، در ۱۴ سال گذشته، تلاش کرد تا سرنگونی طلبی جنبش وسیع آزادی زن را از طریق تغییر در برخی از قوانین ارتجاعی حکومت اسلامی مهار و بی معنا کند و دامنه گسترده اعتراضات آزادیخواهانه و برابری طلبانه جنبش آزادی زن را به مطالباتی صنفی و محدود و سطحی کاهش دهد. خوشبختانه، تناقضات اساسی و بحران ریشه ای حکومت اسلامی، در کنار بحران و جدال بیشتر از پیش درونی جناحهای حکومت و از همه مهمتر، تحولات چند سال گذشته در ایران (مشخصاً، حوادث پس از مضحکه انتخابات)، تمام آرزوهای این قطب معترض در درون حاکمیت را دود کرد و به هوا

فرستاد. روشن است که جنبش آزادی زن، راه پر خم و پیچی در راستای رسیدن به مطالبات انسانی، عمومی و اجتماعی دارد، راهی که ناگزیر از دخالت وسیع در مبارزات طبقاتی جامعه علیه فقر، اختناق، نابرابری و تعرض به حقوق و شان انسان است. همانگونه که در بالا ذکر شد، تعرض به حقوق زنان، نه فقط امری جنسی، بلکه طبقاتی است و راهکار مرتفع کردن این مشکلات نیز دخالت مستمر و متحزب در مبارزه طبقاتی جامعه است. همینجا و در پایان توجه تمامی فعالین جنبش آزادی زن را به بیانیه اعلام موجودیت سازمان آزادی زن که در ۲۹ آبان ۱۳۸۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۰۲) منتشر شده است جلب میکنم، همچنین همگان را به پیوستن به این سازمان دعوت میکنم:

بیانیه اعلام موجودیت سازمان آزادی زن

آزادی زن معیار آزادی جامعه است. نه تنها در ایران که زن ستیزی بشکلی توحش آمیز حکم میراند، در پیشرفته ترین جوامع امروز بشر نیز، کارهای زیاد و عاجلی برای امحاء کامل نابرابری بین زن و مرد پیش روی ماست. "سازمان آزادی زن" مقدماتاً خود را جزئی از یک مبارزه عظیم، تاریخی و جهانی برای رهایی زن میداند.

در ایران، ما با یک ارتجاع اسلامی، سرکوبگر و قرون وسطایی علیه زنان روبرو هستیم. نظام حاکم در ایران یک آپارتاید جنسی تمام عیار است. حجاب اجباری، جداسازی همه جانبه زن و مرد در تمامی ابعاد اجتماع، و تبدیل زنان به شهروندان بی حقوق و درجه دوم قانون رسمی کشور است؛ زن ستیزی خصلت

اصلی و هویتی نظام حاکم و تحقیر، سرکوب و بیحقوقی روزمره سهم زنان از زندگی است. بکارگیری سنن قرون وسطایی از قبیل سنگسار نشانگر عمق خشونت لخت و عریانی است که در این نظام علیه زنان اعمال میشود.

حاکمیت نظام مردسالار و عقب مانده پدیده ای خاص دو دهه اخیر نیست. جامعه ایران از یک مردسالاری و زن ستیزی مزمن در عذاب است. تاریخ ایران شاهد تلاشهای زنان و جریانات آزادیخواه برای خلاصی از این وضعیت حقارت آور بوده است.



تلاشهای زنان آزادیخواه برای تغییر این وضعیت در ابتدای قدرت گیری جمهوری اسلامی با سرکوبی خشن روبرو شد. جمهوری اسلامی در همان اولین روزهای حیاتش با اعتراض وسیع زنان روبرو گردید و علیرغم همه سرکوبها، مبارزه زنان ایران برای خلاصی از زندانی که در آن به اسارت درآمده اند، و علیه بیحقوقی و تحقیر لحظه ای متوقف نشده است. حضور یک جنبش وسیع رهایی زن یک واقعیت انکار ناپذیر جامعه ایران است. این جنبش باید با تمام قوا به جلو رانده شود، به برنامه و پلاتفرمی روشن مجهز شود، نیرویش را متمرکز کند و با دستیابی به

رهایی نه تنها جامعه ایران را از شر مردسالاری و زن ستیزی خلاص کند، بلکه در تغییر وضعیت زنان در منطقه و در کشورهای اسلام زده نیز نقش و تاثیر مهمی داشته باشد. "سازمان آزادی زن" با این هدف ایجاد میشود.

هدف ما آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل زن و مرد در ایران است. باین منظور سازمان آزادی زن برای دستیابی به خواستههای زیر مبارزه میکند:

۱- برابری کامل حقوق زن و مرد؛ لغو قوانین تبعیض آمیز، بویژه قوانین مربوط به خانواده، ازدواج، طلاق، حضانت و سرپرستی اطفال؛

۲- لغو حجاب اجباری، و آزادی پوشش؛

۳- لغو کامل جدا سازیها؛

۴- برخورداری از امکانات مساوی در آموزش، اشتغال، ورزش و امور فرهنگی؛

۵- جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

مبارزه بی امان با تمامی تلقیات و ارزشهای مردسالارانه و زن ستیزانه نیز از جمله وظایف مهم و فوری ماست. ما میکوشیم ظرف متحد کردن وسیع ترین توده های زن و مرد ایران برای تحقق اقدامات فوق و ابزار سازماندهی و رهبری جنبش پر قدرت رهایی زن در ایران باشیم.

زنان، دختران، مبارزین آزادی زن، سازمانها و تشکل های مدافع حقوق زن در ایران، "به سازمان آزادی زن" ببینید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

نوشین قادری

سپتامبر ۲۰۱۱

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

و موارد بسیاری دیگر از این قوانین ارتجاعی و قرون وسطانی همچون حجاب، قصاص و غیره که انسانی ترین و اولیه ترین حقوق زنان را از آنها گرفت.

در کنار وضع این قوانین زن ستیزانه و اعمال خشونت علیه زنان، مقاومت و مبارزه زنان در اشکال مختلف وسعت پیدا کرد. رژیم قرون وسطانی و ضد انسانی هرگز نتوانست با استفاده از ابزار سرکوب زنان را از مبارزه باز دارد. اعتراضات آزادیخواهانه زنان در ابعاد مختلف، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به کل جامعه سرایت کرد. جنبش حقوق برابر و رفع تبعیض و از همه مهمتر جنبش آزادی و رهایی زن از این نمونه ها است.

در این مسیر وجود جنبشهای کارگری و مترقی در داخل کشور و همچنین حضور جنبشهای سوسیالیستی و سازمانها و احزاب خارج کشور از جمله آزادی زن، در رشد و آگاهی جنبش زنان تاثیر بسزایی داشت. این جنبش در زیر پوست جامعه همچون آتش زیر خاکستر حضور دارد و تا سرنگونی رژیم آپارتاید جنسی اسلامی از پا نمی نشیند.

نادر رضائزاد

۱۱-۱۱-۲۰۱۱

اصل بیستم قانون اساسی رژیم میگوید، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان و در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. این موازین چیزی نیست بجز اسارت، بردگی و محروم ساختن زنان از کلیه حقوق انسانی و اجتماعی آنها. در زیر اشاره ای دارم به موادی از قانون مدنی مورد عمل رژیم (مواد ۱۰۳۴ تا ۱۰۳۳) که برابر این قوانین کوچکترین و بدیهی ترین حقوق اولیه انسانی زنان در خصوص تشکیل خانواده زیر پا گذاشته شد.

- نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال شمسی و پسر ۱۵ سال

- نکاح دختر موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست

- در روابط زوجین ریاست خانواده بعهده شوهر است

- زن باید از شوهر خود تمکین کند در غیر این صورت از حق داشتن نفقه و خرجی محروم است

- مرد میتواند یکطرفه به دادگاه مراجعه و زن خود را طلاق دهد در خصوص ارث و شهادت زنان یک هشتم از اموال شوهر را به ارث برده و دختر نیز نصف سهم پسر را از اموال پدر به ارث میبرد

- شهادت ۲ زن معادل یک مرد است



زنان از منظر قوانین رژیم آپارتاید اسلامی ایران

با به قدرت رسیدن رژیم اسلامی شریعت اسلام به عنوان منبع و سرچشمه اصلی تدوین قانون اساسی و دیگر قوانین حکومتی علیه زنان در آمد. احکام و قوانین مذهبی برای تثبیت و نهادینه کردن بی حقوقی زنان نه تنها جنبه قانونی پیدا کرد بلکه به واسطه تصویب آن توسط مجلس فرمایشی رژیم جنبه اجرائی نیز پیدا کرد و اهرمی شد جهت اجرای قوانین زن ستیزانه رژیم و نهادینه کردن نظام آپارتاید جنسی. در این قوانین کوچکترین حق تصمیم گیری و آزادی عمل از زنان گرفته شد و آنها را به زیر دستان و شهروندان درجه دوم تبدیل ساخت. از آن به بعد زنان بر پایه قوانین و دین رسمی کشور، باید از فرامین شوهر، پدر، برادر، پدر بزرگ و غیره اطاعت کرده و بدون اجازه آنها حق انجام هیچ کاری را ندارند.

چند خبر

تهیه و تنظیم: نگین خاتمی

دو زن در شهر غزنی افغانستان سنگسار شدند!

گزارشهای رسیده از افغانستان حاکی از آن است که یک مادر و دختر بوسيله افراد وابسته به طالبان از منزل خود بیرون کشیده شده و در انتظار عموم سنگسار شدند.

در عربستان یک زن به جرم رانندگی محکوم به ۱۰ ضربه شلاق شد!

دستگاه قضایی آل سعود زنی را به جرم رانندگی در معیار عمومی به ۱۰ ضربه شلاق محکوم کرد. با وجود عفو نمایی ملک عبدالله از قرار دستگاه قضایی السعود با استناد به قوانین وزارت کشور که رانندگی زنان را ممنوع اعلام کرده است، این زن را محکوم کرد.

ازدواج زیر ۱۰ سال در ایران!

مدیرکل آذربایجان غربی از ثبت ازدواج سه دختر زیر ۱۰ سال و ۲۳ مورد ازدواج پسران زیر ۱۵ سال در سال جاری خبر داد.

وی همچنین میانگین سن طلاق ۱۳ تن از طلاقهای سال جاری را بین ۱۰ تا ۱۴ سال برای دختران اعلام کرد.

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

خوانندگان گرامی می توانند با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنند. لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

شما در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته را نیز بخوانید.

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

زنان در جوامع اسلامزده ایران از ستمی مضاعف برخوردارند

نگین خاتمی

در آستانه ۲۵ نوامبر روز مبارزه جهانی با خشونت علیه زنان قرار داریم. هر ساله در این ایام جنبشهای مختلف اعتراضات گوناگونی را علیه این نوع خشونت سیستماتیک بر زنان سازمان می دهند. سازمان آزادی زن بعنوان یک سازمان مترقی و رادیکال همیشه تلاش کرده است که در این عرصه فعال باشد و در جهت رفع ستم علیه زنان پرچم آزادی و برابری زن را بلند کند.

در بیشتر کشورهای اسلام زده زنان رسماً و قانوناً از حقوق برابر بی بهره اند. بخصوص در کشور ایران که رژیم اسلامی از همان ابتدای روی کار آمدنش به مبارزه همه جانبه برای عقب راندن زنان در تمامی شئون خانوادگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست زد، خشونت علیه زنان در بسیاری از عرصه های زندگی بیش از گذشته نمایان شد. خشونت سیستماتیک دولتی و آزار جنسی و روانی زنان در بسیاری از نهادهای جامعه بخصوص نهاد خانواده، بخشی دیگر از زندگی روزمره زنان شد. حجاب اسلامی و

جداسازی زن و مرد بسرعت آپارتاید جنسی را بر زندگی میلیونها انسان تحمیل کرد. با اینکه خشونت علیه زنان یک پدیده کریه و جهانی می باشد و در هر دقیقه زنی در نقطه ای از این جهان بر اثر خشونت



جان خود را از دست می دهد، زنان در جوامع اسلامزده ایران از ستمی مضاعف برخوردار شدند. عکس العمل زنان و دختران به خشونت متفاوت بود. بسیاری از زنان خود را در نهادهای مختلف و جنبشهای متفاوت پیدا کردند و سازمان یافتند و بسیاری با فرار از خانه و افتادن به دامن اعتیاد و تن فروشی اجباری زندگی

غیر قابل تحمل تری را ادامه دادند. بسیاری در اثر افسردگی دست به خودکشی زدند. پدیده قتل های ناموسی در بسیاری از شهرهای ایران تبدیل به یکی از حقایق تلخ زندگی زنان جوان و دختران شد.

در حقیقت این اتفاقات نه تنها دختران و زنان جوان دیگر را خانه نشین نکرد بلکه به محرکه ای تبدیل شد تا الگوها و ارزشهای خرافی و مذهبی به مصاف کشیده شود. برای مثال می توان به مقاومت زنان و دختران جوان علیه حجاب اشاره کرد که یکی از مقاومتها جدی علیه یک حکومت اسلامی سرکوبگر است.

در کنار مقاومتها فردی در عرصه خانواده و جامعه زنان مترقی از همان روزهای اولیه پایه گذاری حکومت آپارتاید جنسی دست به جدال گسترده ای برای مبارزه زدند و تا به امروز هم این مبارزه ادامه دارد. در بین جنبشهای حقوق زنان و جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران، مردم نه تنها خواستار لغو آپارتاید جنسی هستند بلکه با صدای بلند اعلام می کنند که جهت دست یافتن به پایه ای ترین حقوق انسانی راهی بجز سرنگونی کلیت این رژیم وجود ندارد.

۲۰۱۱-۱۱-۱۴

زنان افغانی در انتظار اعدام

پریسا آزادیان

در قانون جزایی افغانستان جایی برای تخفیف جرم زنی که بدلیل واکنش در مقابل خشونت همسرانشان وادار به همسر کشی میشوند وجود ندارد. بر اساس آمار وزارت دادگستری در حال حاضر پنج زن افغانی در انتظار اجرای حکم اعدام بسر میبرند. "لیان گوچر" خبرنگار روزنامه ایندپندنت از وضعیت سه زن افغانی که هم اکنون در انتظار مرگ بسر میبرند گزارش میدهد.

هر سه آنها در اعتراض به حکم ناعادلانه و سیستم قضایی فاسد افغانستان که باعث زندانی شدن آنها در کمال بی توجهی به سرنوشتشان برای سالهای متوالی شده دست به اعتصاب غذا زده اند. تقاضای آنها برای تجدید نظر در حکمشان سالیانهست که بدون نتیجه مانده است.

"گل گونچا" ۵۷ ساله با همسر خشن و متجاوزش سالها بود که کنار آمده بود. شوهر وی یک دختر هفت ساله شان را پس از تجاوز به عقد مردی پیر درآورد. او دختر دو ساله و نیمه شان را به قیمت ۲۵۰۰ پوند به فروش رساند و در تلاش برای پیدا کردن خریداری برای دیگر دختر

خردسالشان بود. زمانی که "گل گونچا" برای محافظت از خود و فرزندانش به اطرافیان متوسل شد، او و فرزندانش مورد ضرب و شتم و آزار بیشتری قرار گرفتند. او میگوید که خانه آنها تهی از شادی بود و در آن چیزی بجز خشونت وجود نداشت. به تنگ آمده از وضعیت جهمی که در آن گرفتار شده بود بالاخره کاسه صبرش لبریز شد، و با ضربات میله ای آهنی و اما نه به قصد کشتن همسرش، او را از پا در آورد. "گل گونچا" روز بعد از این واقعه دستگیر و زندانی شد. او به ارتکاب جرم قتل همسرش اعتراف دارد ولی میگوید که قصد او حفاظت از فرزندانش بوده

است. "گل گونچا" توسط دادگاه اول و دادگاه تجدید نظر به اعدام محکوم شد و سپس دادگاه عالی پس از رد پرونده اش، پرونده او را به دادگاه محلی رجوع داد.

"عایشه خلیل" ۵۲ ساله و "سعید بگم" ۴۰ ساله، دو زن دیگری هستند که به اتهام قتل همسرانشان محکوم به اعدام هستند و هر دوی آنها تاکید میکنند که بیگناه هستند. آنها در گفتگویی با خبرنگار "ایندپندنت" در زندان باغ بادام کابل با چشمانی پر اشک از فساد دستگاه قضایی سخن میگویند. "سعید بگم" میگوید که قاضی دادگاه اول به او گفته بود که در صورت پرداخت ۱۹۰۰ پوند رشوه حکم او را

رهائی زن همین امروز!

زنان افغانی در انتظار اعدام

به ۵ سال زندان تخفیف خواهد داد. او بدلیل عدم توانایی مالی قادر به پرداخت این رشوه هنگفت نبود و در نتیجه به ۲۰ سال زندان محکوم شد و دادگاه تجدید نظر در سال ۲۰۰۷ او را محکوم به اعدام کرد. او پس از مشاجره با همسر دومش از جانب او متهم به همدستی به قتل همسر اولش شد و به همین اتهام روانه زندان شد.

"عایشه خلیل" میگوید که او در زیر فشار ناچار به اعتراف دروغین شده است. برادر شوهر "عایشه" که پس از مرگ همسرش از او تقاضای ازدواج کرده بود، پس از رد تقاضای ازدواج برای گرفتن انتقام از "عایشه"، وی را متهم به قتل همسرش کرد. "عایشه" در دادگاه اول و دوم به اعدام محکوم شد. دادگاه عالی از پذیرش این حکم صرفنظر کرد و پرونده او را به دادگاه محلی رجوع داد. "عایشه" اعتصاب

غذای خود را از ماه اوت آغاز کرده و تهدید کرده است که تا روشن شدن وضعیت پرونده اش به اعتصاب غذای خود تا سر حد مرگ ادامه میدهد. تصمیم او برای اعتصاب غذا از آنجا شروع شد که مقامات زندان او را از تهیه و فروش غذا به ملاقات کنندگان منع کردند. این کار منبع درآمد ناچیزی برای او بود. او که از سال ۲۰۰۴ در انتظار اعدام بسر میبرد، حمایت خانواده، فرزندان و همه زندگی اش را از دست داده و در شرایط بدی بسر میبرد.

هر سه زن زندانی میگویند که سالهاست که وکیلی از پرونده آنها حمایت نکرده و آنها کسی را ندارند که برایشان تقاضای تجدید نظر و یا کاهش تخفیف محکومیت کند. پرونده آنها در سیستم قضایی فاسد افغانستان گیر کرده و سالهاست که از یک دادگاه به دادگاه دیگر پاس داده میشود. پس از محکوم شدن این زنان به حکم اعدام توسط دادگاه عالی، قضای دادگاه از رئیس جمهور

درخواست تائید حکم را میکنند. "شمس الله احمد زای"، رئیس کمیته مستقل حقوق بشر دفتر کابل در این رابطه میگوید که سیستم قضایی افغانستان ضعیف است، از قانون اساسی پیروی نمیکند و از اجرای به موقع قانون سر باز میزنند. "فرید احمد نجیبی"، سخنگوی وزارت دادگستری نیز ضمن اعلام آگاهی از اعتصاب غذای زنان زندانی گفته که پرونده آنها در دست بررسی در دادگاههای گوناگون است. او اضافه کرده که امکان امضای حکم اعدام آنها توسط "حمید



کرزای" بسیار ضعیف است. اگر آنها توسط "کرزای" بخشوده نشوند، احتمالاً حدود ۲۵ سال از عمر خود را در زندان سپری خواهند کرد. هر سه زن زندانی انزجار خود را

از "کرزای" نشان داده و باور دارند که "کرزای" متهمان ملی بدمب انتحاری را میبخشد ولی زنانی مانند آنها را آنقدر در زندان نگه میدارند تا بپوسند.

برخی از مسئولان از جمله کنل "امیر محمد امواپور" رئیس زندان زنان و "نازیه فیضی" رئیس نظارت در وزارت واحد حقوقی امور زنان در ملاقات با این سه زندانی وعده دادند که به پرونده آنها رسیده گی کرده و از آنان حمایت خواهند کرد. اما از نظر توخالی بوده و هنوز سندی دال بر اینکه در وضعیت آنها تغییری ایجاد خواهد شد وجود ندارد. "سعید بگم" در پاسخ به این سوال که آیا اعصاب غذا کمکی به بهبود وضعیت آنها خواهد کرد یا نه میگوید که افراد زیادی قول کمک به او را داده اند ولی امیدی به اینکه ترتیب اثری داده شود وجود ندارد.

سه-شنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۰ برابر با ۱ نوامبر ۲۰۱۱



شورش علیا ماجده المهدی، شورش زنان علیه اسلام سیاسی!

پروین کابلی

علیا ماجده المهدی در عرض چند دقیقه به یکی از چهره های مشهور سایت های اینترنتی تبدیل شد. علیا که دختری جوان از مصر است با قرار دادن عکس برهنه خود در سایت اینترنتی خود جنجالی بی سابقه را بوجود آورده است. وی که خود را فمنیستی آزادیخواه میدانند از افزایش فشار

گروههای اسلامی و فشار آنها برای استفاده از حجاب اسلامی اعتراض نمود. علیا میگوید: "نگاه کنید من برهنه هستم. من را همانطور که هستم قبول کنید. آزادی دادنی نیست گرفتاری است. مصر نه عربی است و نه اسلامی است. فقط مصر است".

سخنان این دختر جوان سخنان میلیونها زن تحت حاکمیت اسلام سیاسی است. جوانانی که خواهان زندگی آزاد و برابر هستند. نمیخواهند تحت شرایط و تسلط قوانین اسلامی و شریعت زندگی کنند. وی که با گذاشتن کفش خود روی روسری به این نماد اسلامی

زنده باد آزادی زن

شورش علیا ماجده المهدی، شورش زنان علیه اسلام سیاسی!

اعتراض میکند در این رابطه میگوید: "من به این وسایل به نمادی که سمبل بردگی زنان است اعتراض نموده ام". اعتراض علیا مورد استقبال وسیعی در میان جوانان قرار گرفته است. اما همزمان یک د آدگاه صنفی خواهان حد شرعی برای وی شد.

علیا تنها نیست. وی سمبل میلیونها جوانی است که امروز در کشورهای اسلامزده تحت فشار قوانین شریعت و افکار عقب مانده و پوسیده قرار دارند و راه خلاص میجویند. علیا و هزاران زن و دختر و جوان دیگر در "بهار عرب" نقبی به آینده را دیدند. تصورشان این بود که

یک سوال و دو جواب

نشریه آزادی زن: روزانه صدها زن در اقصا نقاط جهان کشته می‌شوند. به نظر شما عامل این خشونت چیست و چگونه می‌توان بر علیه آن مبارزه نمود؟



اسماعیل اوجی: راستش به این سوال به این مهمی نمی‌توان در چند سطر پاسخ داد ولی من

سعی خواهم کرد بطور خلاصه پاسخ دهم. گرچه این پاسخ نیاز به توضیح زیاد دارد.

از نظر تاریخی:

- بارور و بچه دار شدن زن و نیاز به خدمات مرد در زمان بارداری و حتی بعد از وضع حمل عامل مهمی است برای برتری اقتصادی مرد نسبت به زن. به این دلیل است که مردان در طول تاریخ از این موقعیت زنان سوء استفاده کرده و به آنها حکومت و در بسیاری از مواقع خشونت کرده اند.
- زنان به علت فوق نتوانسته اند در

میکند. علیا تمام مقدساتی که امروز در کشورهای اسلامزده زنان را به بردگی جنسی کشیده است مورد تهاجم قرار میدهد و بر تمام آنها مهر باطلی زده است.

عکسهای برهنه علیا بر خلاف تمام تبلیغات ضد زن اسلامیت ها نه تنها با سکسیسم تداعی نشد بلکه یکبار دیگر پرچم برابر طلبی و آزادی خواهی را بر علیه اسلام سیاسی به اهتزاز در آورد و نشان داد که تنها با مبارزه ای رادیکال و همه جانبه امر برابری میسر است.

زنده باد آزادی

زنده باد برابری

پروین کابلی

۱۷ نوامبر ۲۰۱۱

تغییراتی بنیادی در راه است و قرار است که حقوق انسانی شان به رسمیت شناخته شود. اتفاقات بعد از رفتن مبارک و ۸ مارس امسال در قاهره و ادامه اعتراضات در میدان التحرير نشان میدهد که راه رسیدن به این خواست فرسنگها دور است و مبارزه برای بدست آوردن برابری در اول این راه است. آنچه که علیا خواهان آن است آزادی بیقید و شرط بر زندگی خصوصی و شخصی وی است.

برای ما زنان ایران که در سه دهه ی اخیر نظام آپارتاید جنسی به مانند اختاپوسی بر جان وزندگیمان چنگ انداخته است، خواست آزادی بی قید و شرط پوشش و حق انتخاب، زیستن، یکی از اهداف مبارزاتیمان بوده است. ابتکار علیا یکبار دیگر حقانیت مبارزه ای که ما در پیش روی خود قرار داده ایم را دو چندان

زنان باید برای استقلال خود از مردان در همه جوامع، به ویژه جوامع مذهبی، مبارزه کنند. یکی از مهمترین و اولین مراحل این مبارزه دور انداختن همه نیروهای مافوق طبیعی است. ■



شهلا نوری: به نظر من عامل اصلی و ریشه این خشونتها همه و همه در نابرابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بین زن و مرد خلاصه میشود. هر کدام از این مباحث بتهایی و در حلقه های بهم پیوسته در بسیاری از کشورها بررسی شده و راه حلهایی هم ارائه شده اما تا چه اندازه موفق بوده جای بحث دارد. من تصمیم ندارم از انواع خشونتها و یا دستورالعملهای رایج که بصورت "نسخه" برای معالجه این جنایت جهانی نوشته می شود حرف بزنم.

هر سال در روز ۲۵ نوامبر هزاران اجلاس برگزار می شود و هزاران نسخه آکادمیک پیچیده می شود. همه از خشونت علیه زنان

فعالیت های اجتماعی، کسب اطلاعات و دانش عمومی، رهبری سیاسی جامعه و از این قبیل بطور تمام وقت شرکت کنند و دست مردان برای حکومت و خشونت باز گذاشته شده است.

• مردان برای اینکه حکومت و خشونت خود را موجه جلوه دهند به ایجاد نیروهای مافوق طبیعی از قبیل خدا و شیطان و جن و بهشت و جهنم و از این قبیل دست زده اند و به تدریج حول این نیروهای من در آوردی مافوق طبیعی قوانین و مقررات توجیه کننده ی حکومت و خشونت خود نسبت به زنان را به وجود آورده اند.

در زمان حاضر:

• مردان از طرفی جلو استقلال زنان را میگیرند و می‌خواهند وابستگی زنان به مردان به هر وسیله‌ای حفظ شود و از طرف دیگر از زنان به عنوان نیروی کار، در خانه یا در کارخانه، به عنوان برده جنسی در خانه و خیابان و غیره استفاده می‌کنند.

مبارزه برای حقوق زنان و طبیعتا مقابله با خشونت علیه زنان نمی‌تواند از مبارزه برای استقلال زنان جدا باشد. هر نوع وابستگی زن به مرد و به ویژه وابستگی اقتصادی دیر یا زود منجر به خشونت بر زن می‌شود.

نه به سنگسار = نه به جمهوری اسلامی!

دنباله یک سوال و دو جواب

بعنوان عمده ترین نقض تعهدات حقوق بشر حرف می زنند و قطعنامه صادر می کنند از جمله: ارتقاء تساوی جنسی و مبارزه با تبعیض بر علیه زنان، گردآوری اطلاعات در مورد خشونت، ابداع استراتژی هماهنگ و مبارزه در مورد کیفرناپذیری اعمال کنندگان خشونت بر علیه زنان و دسترسی به قضاوت برای قربانیان این حادثه بخشی از اهداف عملیاتی این اجلاسهای جهانی است. در کشورهای پیشرفته صدها نهاد جدید در جهت مبارزه برای منع خشونت به زنان تاسیس می شود اما هنوز شاهد ضرب و شتم زنان هستیم. در همین اجلاسها تصمیم می گیرند تا حکومتهای کشورهای عقب افتاده را به رعایت حقوق بشر زن متقاعد کنند. خانم کلینتون و همپالگی هایش برای زنان افغانستان و عراق داروی "رفع خشونت از

زنان" تجویز می کنند و دولتهای فخریه شان برای ایجاد نظم نوین جهانیان جامعه عراق و افغانستان را صدها سال به عقب می رانند.

آیا در این اجلاسها از خشونت دولتی هم صحبت می شود؟ خشونتی سیستماتیک که در بسیاری از نهادهای جامعه زمینه مردسالاری را تولید و بازتولید می کند. دین، مذهب، خرافه و سنتهایی قرون وسطایی را باز تعریف می کنند و بوسیله مدیای نان به نرخ روز خور به خانه من و شما فرستاده می شود تا خشونت روانی نهفته در استثمار جنسی را نهادینه کنند. تا مردان را همچنان قیم خانه و خانواده و زنان را علیرغم آزادی اقتصادی همچنان زیر یوغ روانی مرد سالاری اجتماعی وابسته به مرد نگه دارند. اینها خصائل زشتی است که در طول قرنها در دامن ادیان و حکومتهای ناظر بر آن پرورش یافته تا غیرت و تعصب را بازتولید کنند.

به نظر من استبداد، دیکتاتوری، مردسالاری و عملکردهای منتج از این نوع تفکر از جمله قتل زنان به دست نزدیکان خود عمیقاً ریشه در دین و آموزشهای دینی دارند. نگاهی به جوامع مذهب زده می توانند بخشا گویای وجوه تفاوتها باشد. اگر امروز شاهد افزایش روزافزون جنایت و قتل، اعتیاد و تنفروشی، از خودبیگانگی و حس انتقام جویی نه تنها در جوامع پاتریارکال بلکه در کل جهان هستیم، باید "اول مرغ یا تخم مرغ" را کنار بگذاریم. باید در کنار مبارزه با سرمایه داری جهانی برای آفریدن یک سیستم نوین حساب خود را با ادیان هم تسویه کنیم. بدون تغییر بنیادی در کل این مناسبات و دخالتگری مستقیم جنبش آزادی زن، سخن گفتن از مقولاتی همچون رفع خشونت علیه زنان، رعایت حقوق بشر زن و رفع ستم اقتصادی از زنان، بجز سرگرم شدن در زمین بازی بورژوازی نتیجه ملموس دیگری ندارد. ■

همراه با ما، به سیستمی که حق اقامت زنان فراری از رژیم آپارتاید جنسی را به رسمیت نمی شناسد، اعتراض کنید.

سخنران برنامه: پروین کابلی از شورای مرکزی سازمان آزادی زن و سردبیر نشریه آزادی زن

ورود برای همگان آزاد است

مکان: ویکتوریا هوست

زمان: ۲۵ نوامبر از ساعت ۱۷ تا ۲۱

ستم بر زن موقوف، زنده باد آزادی زن

سازمان آزادی زن واحد گوتنبرگ با همکاری آب اف



تلفن: ۰۷۳۷۲۶۲۶۲۲

www.azadizan.net



۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زن!

ترم خشونت بر علیه زنان، ترمی بسیار گسترده است که میتواند بر هرگونه خشونت، اعم از فیزیکی، روانی، لفظی و جنسی که در ابعاد خانگی و اجتماعی بر زنان اعمال میشود، ناظر باشد.

نه تنها در ایران که زن ستیزی بشکلی توحش آمیز حکم میراند، در پیشرفته ترین جوامع امروز بشر نیز، کارهای زیاد و عاجلی برای امحاء کامل ناپرابری بین زن و مرد پیش روی ماست.

مرد سالاری، زن ستیزی و تبعیض علیه زنان فقط یکی از وجوه تاریک و شرم آور جامعه بشری امروز است. زنان حتی در شرایط پناهندگی و مهاجرت نیز، در پست ترین موقعیت اجتماعی قرار میگیرند.

سازمان آزادی زن از شما دعوت میکند که در این روز در کنار بحث و بررسی علل و روشهای مختلف اعمال خشونت بر زن و مبارزه جهت حذف خشونت در همه اشکال آن

از شهلا نوری، عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن، به خاطر همکاری بیدریغ او در این شماره تشکر میکنیم.

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند. مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

azarmajedi@yahoo.com

parvinkaboli@yahoo.se

esmail_owji@yahoo.com

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی:

هیئت تحریریه نشریه پروین کابلی و

اسماعیل اوجی